

سلسله درس های محدودیت

حلقه یازدهم

برکات انتظار



دکتر سید محمد کبیری مازنی

سرشناسه: بنی هاشمی، سید محمّد، ۱۳۳۹
عنوان و نام پدیدآور: برکات انتظار؛ سلسله درس‌های مهدویت، حلقهٔ
یازدهم / سید محمّد بنی هاشمی.
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص.
شابک جلد یازدهم: ۱- ۲۱۲- ۵۳۹- ۹۶۴- ۹۷۸
شابک دوره: ۲- ۱۵۸- ۵۳۹- ۹۶۴- ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.
یادداشت: کتابنامه: همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. احادیث، مهدویت.
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. غیبت، دعاها.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ س ۸۳ ب / ۲۲۴ BP
رده‌بندی دیوبی: ۲۹۷ / ۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۲۹۴۱۵



شابک ۱- ۲۱۲- ۵۳۹- ۹۶۴- ۹۷۸ ISBN 978 - 964 - 539 - 212 - 1

فروشگاه فرهنگی
برکات انتظار

سید محمّد بنی هاشمی
ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر
نوبت چاپ: اوّل / ۱۳۸۹
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶
چاپ: صاحب کوثر

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲ ۱۸۳۶ (خط ۶)
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی‌پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۲۳۳۵ ۶۶۸۰۱ (خط ۴) ۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵)

وبسایت: <http://www.monir.com>
پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز پخش: نشر نیک‌معارف، ۰۶۶۹۵۰۰۱۰ * نشر آفاق، ۰۲۲۸۴۷۰۳۵ * دارالکتب الاسلامیه، ۰۵۵۶۲۰۴۱۰
نشر رایحه، ۰۸۸۹۷۶۱۹۸ * پخش آینه، ۰۳۳۹۳۰۴۹۶

۳۰۰۰ تومان





این حلقه به نیابت از:

رَشک مشتاقان ولیّ عصر ارواحنا فداه

عَلّامه سیّد مهدی بحر العلوم رحمۃ اللہ علیہ

به پیشگاه:

دخت مظلوم سیّد الشهداء علیہ السلام

حضرت رقیّه علیہا السلام

تقدیم می‌گردد.





فهرست مطالب

۱۵	فصل اول: آثار و برکات انتظار در زمان غیبت
۱۵	درس اول: آثار نزدیک دانستن ظهور
۱۶	کسب رضای امام علیه السلام
۱۸	همراه کردن دیگران
۱۹	آفات دور دانستن ظهور
۲۲	درس دوم: تقوای الهی (۱)
۲۲	مرحله اول از لوازم انتظار: زندگی با یاد امام علیه السلام و مطابق پسند ایشان
۲۴	۱ - رعایت تقوا و ورع
۲۴	عمل به واجبات
۲۶	پرهیز از محرمات
۲۷	عمل بدون تقوا
۲۹	درس سوم: تقوای الهی (۲)
۲۹	قبولی اعمال
۳۳	اصرار نداشتن بر گناه

۳۵	منتظر فرج باید با ورع‌ترین باشد
۳۸	درس چهارم: خوف از عدل خدا
۳۸	۲ - خوف و رجاء واقعی
۳۸	لازمه جدایی‌ناپذیر ایمان
۳۹	منشأ خوف
۴۱	ترس از عدل الهی
۴۵	نشانه خوف
۴۷	درس پنجم: رجاء به فضل خدا
۴۷	رجاء واقعی یا امید واهی؟
۵۲	همراهی رجاء با خوف
۵۶	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱ تا ۵
۵۷	درس ششم: دشمنی دنیا (۱)
۵۷	۳ - بغض دنیا
۵۷	اهمیت بغض دنیا
۵۸	تأسی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
۶۲	معیار جدایی از خدا
۶۵	درس هفتم: دشمنی دنیا (۲)
۶۵	وسوسه شیطانی
۶۷	شناخت حقیقت دنیا
۶۹	زهد نسبت به دنیا
۷۲	درس هشتم: راه عملی کردن زهد
۷۲	کم کردن تعلقات دنیوی
۷۳	اکتفا به اندازه ضروری

فهرست مطالب □ ۹

۷۵	مظاهر فریبنده دنیا
۷۷	یادی از استاد
۸۱	درس نهم: زندگی مورد پسند امام عصر علیه السلام
۸۱	چشیدن محبت خدا
۸۳	توجه به آخرت
۸۴	دنیاطلبی، ناپسند امام علیه السلام
۸۸	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۶ تا ۹
۸۹	درس دهم: رابطه متقابل آرزوها و شخصیت انسان
۸۹	مرحله دوم از لوازم انتظار: آرزوی یاری امام علیه السلام و پیوستن به ایشان
۸۹	رابطه آرزوها با عالم درون
۹۲	رابطه میان نیت و همت
۹۶	درس یازدهم: رابطه متقابل آرزوهای منتظر و شخصیت او
۹۶	تأثیر شدت انتظار در آرزوهای منتظر
۹۷	بهترین آرزوها
۱۰۰	تأثیر آرزوها در شخصیت منتظر
۱۰۵	درس دوازدهم: رابطه با امام علیه السلام و وقف کردن خود برای ایشان
۱۰۵	مرحله سوم از لوازم انتظار: آماده کردن خود برای پیوستن به امام علیه السلام
۱۰۶	رابطه با امام عصر علیه السلام
۱۰۹	وقف نمودن خود برای امام علیه السلام
۱۱۴	درس سیزدهم: ادای حق مؤمن (۱)
۱۱۴	مرحله چهارم از لوازم انتظار: تربیت منتظران راستین
۱۱۴	وظیفه دستگیری از ضعیفان
۱۱۶	احساس وظیفه و مسؤولیت

۱۱۹	شناخت حقوق برادران دینی
۱۲۲	درس چهاردهم: ادای حق مؤمن (۲)
۱۲۲	تلاش شبانه روزی در ادای حق مؤمن
۱۲۵	فضیلت قضای حوائج مؤمنان
۱۳۰	درس پانزدهم: تحقق بالاترین فرج برای منتظر
۱۳۰	رسیدگی به فرزندان معنوی امام عصر علیه السلام
۱۳۲	مودت خالص برای امام علیه السلام ، نشانه کمال انتظار
۱۳۴	فرج مادی برای منتظر
۱۳۷	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۰ تا ۱۵
۱۳۹	فصل دوم: آثار و برکات انتظار در زمان ظهور
۱۳۹	درس شانزدهم: توفیق یاری امام علیه السلام در هنگام ظهور
۱۳۹	بالاترین آرزوی منتظر
۱۴۲	نمونه منتظر واقعی
۱۵۲	درس هفدهم: نکات آموزنده در تشرّف مرحوم شیخ حسن کاظمینی
۱۵۲	بیشترین احتیاج
۱۵۳	وصی خود باش!
۱۵۵	جمع نکردن مال بیش از حدّ نیاز
۱۵۶	مژده وصال
۱۵۸	درس هجدهم: دو برکت دیگر انتظار فرج
۱۵۸	حصول ثواب یاری امام علیه السلام
۱۶۱	همراهی با امام عصر علیه السلام در طلب خون سیدالشهدا علیه السلام
۱۶۵	درس نوزدهم: آثار خواندن زیارت عاشورا

فهرست مطالب □ ۱۱

۱۶۵	مداومت بر زیارت عاشورا
۱۶۷	اثر شگفت
۱۶۸	خواندن چهل زیارت عاشورا
۱۷۳	درس بیستم: یادی از مصیبت حضرت علی اکبر علیه السلام
۱۷۴	نحوه شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام
۱۷۹	مدفن حضرت علی اکبر علیه السلام و برکات آن
۱۸۵	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۶ تا ۲۰
۱۸۷	فهرست منابع





در حلقه گذشته مفهوم انتظار و درجات مختلف انتظار فرج را بیان کردیم و درباره ویژگی لحظه به لحظه بودن آن توضیح دادیم. اکنون باید از آثار و برکات انتظار برای شخص منتظر سخن بگوییم که در حقیقت فواید این عبادت بزرگ و بی نظیر می باشد.

همه این آثار را می توان در یک کلمه جامع خلاصه کرد و آن کلمه «فرج» است. این تعبیر در یک حدیث شریف که از معارف جمعی جملی^۱ اهل بیت علیهم السلام به شمار می آید، از حضرت زین العابدین علیه السلام نقل شده است:

إِنْتَظَرِ الْفَرْجَ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرْجِ.^۲

انتظار فرج از بزرگترین فرج هاست.

همین بیان از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است:

مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ، فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ لِإِنْتَظَارِهِ.^۳

۱ - جمعی به معنای فشرده، و جُمْلی به معنای خلاصه شده است. و «جَمْعی جُمْلی» یعنی بسیار فشرده و خلاصه که درعین اختصار همه مطلب را در بر دارد.

۲ - بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۲ ح ۴.

۳ - اصول کافی، کتاب الحجّة، باب أنّه من عرف امامه ...، ح ۳.

کسی که این امر (امامت و ظهور آن) را بشناسد، به سبب انتظار کشیدن آن، برایش گشایش حاصل می‌شود.

منظور از کلمه «امر» در بسیاری از احادیث اهل بیت علیهم السلام امر امامت و ظهور آن است که با فرج امام عصر علیه السلام تجلی کامل می‌یابد. حدیث اول، تعبیر انتظار فرج و حدیث دوم انتظار امر را به کار برده‌اند و هر دو یک مصداق دارند.

به هر حال مطابق فرمایش پیشوایان ما غیر از فرج امام زمان علیه السلام که فرج نهایی همه اولیا و انبیای الهی و مؤمنان است، هر شخص منتظری همین انتظارش برای او فرج می‌باشد. بلکه می‌توان گفت که: پس از فرج امام عصر علیه السلام که بزرگترین فرج‌ها برای همه مؤمنان است، بالاترین فرج جزئی برای شخص منتظر، همین انتظار اوست.

این عبارت، بسیار عمیق و حاوی نکات بسیار مهمی است که به فضل الهی باید برای انسان روشن شود تا راه فرج خود را در زمان غیبت قبل از ظهور- بشناسد. در یک جمله باید گفت: قبل از ظهور امام علیه السلام آن چیزی که مؤمن را از همه خطرات، نگرانی‌ها، گمراهی‌ها و لغزش‌ها می‌رهاند، همین انتظار است. ما در این حلقه در صدد آنیم که به اندازه بضاعت مُزجاتی که خداوند عنایت فرموده است، جلوه‌های مختلف این فرج را توضیح دهیم. این مقصود را در دو فصل به ترتیب دنبال می‌کنیم.

فصل ۱

آثار و برکات انتظار در زمان غیبت

درس اول: آثار نزدیک دانستن ظهور

برای اینکه آثار و لوازم انتظار را در شخص منتظر بهتر بشناسیم، مناسب‌ترین راه این است که از آنچه در حلقهٔ پیشین دربارهٔ تعریف انتظار از طریق ملزومات آن بیان کردیم، کمک بگیریم. در آنجا مهمترین عوامل به وجود آورندهٔ انتظار را چهار عامل دانستیم که دومین آنها در بحث فعلی بسیار تأثیرگذار است.

عامل دوم این بود که هر چه زمان وقوع آنچه را در انتظارش هستیم نزدیک‌تر بدانیم، انتظار ما شدیدتر می‌گردد. بنابراین بهترین راه برای شناخت آثار و برکات انتظار این است که فرض کنیم یقین پیدا کرده‌ایم که فرج امام عصر علیه السلام بسیار نزدیک شده است و بررسی کنیم که در این فاصلهٔ کم (تا فرج حضرت) حال انتظار چه لوازم و آثاری دارد، آنگاه چون به ما توصیه‌های فراوانی شده است که فرج امام علیه السلام را نزدیک

بدانیم، آثار و لوازم آن حال فرضی را به همهٔ زمانها سرایت بدهیم. ابتدا زمان ظهور امام علیه السلام را بسیار بسیار نزدیک فرض می‌کنیم تا بینیم این اعتقاد و جداناً چه آثاری در منتظر ظهور می‌گذارد. اگر به ما گفته شود که امام زمانتان قطعاً تا فردا ظهور می‌فرماید و مابه صدق این خبر یقین کنیم، در این یک روز، زندگی ما چگونه خواهد بود؟ هر کس می‌تواند با مراجعه به وجدان خود، این سؤال را پاسخ بدهد.

کسب رضای امام علیه السلام

در درجهٔ اوّل می‌توان گفت که:

در این یک روز، بیش از هر چیز و هر کس، یاد امام زمان علیه السلام و ظهور ایشان، دلهای ما را پر می‌کند و آنقدر که به فکر ایشان خواهیم بود، فکر دیگری ما را مشغول نخواهد کرد. علاوه بر این، قطعاً در این یک روزه کاری که خدا و امام زمان علیه السلام را ناخشنود می‌سازد، انجام نمی‌دهیم و اگر خطایی و گناهی از ما سرزده است، در این فاصله، همهٔ همّت خود را برای توبه و جبران آن به کار می‌بندیم.

اگر حقّی از دیگران بر عهدهٔ ما باقی مانده یا ظلمی در حقّ کسی مرتکب شده‌ایم، به سرعت در جهت طلب حلیّت اقدام می‌کنیم. اگر عهد و پیمانی با امام خود بسته بودیم اما در عمل به آن پای بند نبوده‌ایم، در این یک روز، کمال سعی خود را انجام می‌دهیم تا به آن عمل کنیم.

عبادت‌های ما نیز در این فاصله، معنویّت و اخلاص بیشتری پیدا می‌کند؛ نمازهای ما در این یک روز با گذشته تفاوت خواهد کرد و با حضور قلب بیشتری خواهد بود. در این مدّت کم، مُحال است که بیش از حدّ ضرورت و اضطرار، عمر خود را صرف امور دنیوی کنیم. نه تنها

فکر انجام دادن گناه به ذهنمان خطور نمی‌کند، بلکه حتی دریغمان می‌آید که در این یک روز به امور مباح بپردازیم.

همهٔ تلاشمان این است که از این مدّت کم، بیشترین استفاده را در جهت کسب رضای خداوند و جلب خاطر مبارک امام علیه السلام ببریم. بالاترین نگرانی ما این است که نکند وقتی حضرتش تشریف می‌آورند، توجّهی به ما نکنند یا خدای نا کرده از ما روی بگردانند. برای اینکه چنین حالتی پیش نیاید، سعی می‌کنیم خود را طوری مهیا بسازیم که شایستهٔ استقبال از آن بزرگوار باشیم.

بالاترین آرزوی ما این است که در مواجهه با حضرت، شاهد لبخند رضای ایشان به روی خود باشیم و اینکه خطاب به ما بفرمایند: احسنتم! بارک الله! در غیاب من به وظایف خود خوب عمل کردید. من از شما سپاسگزار هستم.

علاوه بر همهٔ اینها در آرزوی یاری ایشان برای انجام اهداف مقدّسشان لحظه شماری می‌کنیم؛ با خود می‌گوییم آنچه را عمری در آرزویش بودیم و با امید وصالش زندگی را گذرانیم، یک روز دیگر، با چشمان خویش شاهد خواهیم بود و چه شیرین است آن لحظات!

آنچه را برای یاری کردن ایشان از قبل آماده کرده‌ایم، نزد خود حاضر می‌کنیم و تمام شرایط و زمینه‌ها را برای آنکه به حضرتش بیونددیم و جزء بهترین یاوران ایشان باشیم، در خود فراهم می‌آوریم. خدای را شکر می‌کنیم که زنده‌ایم و سالم هستیم و ان شاء الله تا یک روز دیگر همهٔ امکانات مالی، آبرویی، زندگی و هستی خود را فدای قدم محبوب عزیزتر از جان خود خواهیم کرد.

همراه کردن دیگران

آنگاه از خود می‌گذریم و سراغ سایر مؤمنان می‌رویم و آنها را هم مانند خود آمادهٔ استقبال و همراهی با امامشان می‌کنیم. اگر ببینیم که بعضی از آنها اشتیاقی و علاقه‌ای به این موضوع از خود نشان نمی‌دهند، با دلسوزی و از سرِ شفقت و مهربانی سعی می‌کنیم تا آنها را با خود هم عقیده سازیم و دریغمان می‌آید که چنین فرصت طلایی و استثنایی را از دست بدهند. دلمان نمی‌آید که فردا وقتی خورشید امام علیه السلام طلوع می‌کند، کسانی از مؤمنان، خود را در بیغوله‌های تنگ و تاریک پنهان کنند و دانسته یا ندانسته از گرما و روشنائی این خورشید بی‌بهره بمانند. به طور خلاصه سعی می‌کنیم سوز انتظاری که خداوند سر سوزنی از آن را به ما ارزانی داشته است، در حدّ توان به سایر مؤمنان هم سرایت دهیم؛ به این امید که آتش اشتیاقی که به لطف خدا و عنایت امام علیه السلام خرمن وجود ما را فرا گرفته است، غافلان را هم فرا گیرد و در نتیجه همگی با هم به استقبال و یاری عزیز فاطمه علیه السلام بشتاییم. همهٔ عاشقان و شیفتگان آن دُرّدانهٔ هستی را دور هم جمع می‌کنیم و به ایشان می‌گوییم: بیاید خدا را صدها هزار مرتبه شکر کنیم که زمان خواندن این دعاها تا یک روز دیگر به سر می‌آید:

هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بَعْدِهِ فَتَحْظِي؟ مَتَى نَرِدُ مَنَاهِلَكَ الرَّوِيَّةَ
فَنَرَوْي؟ مَتَى نَتَنَفَّعُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدْي؟ مَتَى
نُغَادِيكَ وَ نُرَاحُكَ فَتَقَرَّ عَيْنُونَا؟ مَتَى تَرَانَا وَ نَرَاكَ وَ قَدْ
نَشَرْتَ لَوَاءَ النَّصْرِ تُرِي؟ أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَ أَنْتَ تَوْمُ الْمَلَأَ وَ

قَدْ مَلَأَتِ الْأَرْضَ عَدْلًا؟^۱

آیا امروز ما در ارتباط با تو به فردایش می‌رسد تا به آرزوی خود برسیم؟ چه وقت بر سر چشمه‌های پر آب سیراب کننده تو خواهیم رسید تا سیراب گردیم؟ چه موقع از آب شیرین و گوارای تو بهره‌مند می‌شویم؟ تشنگی ما طولانی گشته است! کی می‌شود که با تو صبح و شام کنیم تا چشمان ما (به جمالت) روشن شود؟ کی تو ما را و ما تو را می‌بینیم در حالی که پرچم پیروزی را برافراشته‌ای؟ راستی می‌شود ما را ببینی که به گرد تو حلقه زده‌ایم و تو بر همگان امامت می‌کنی در حالی که زمین را از عدالت پر ساخته‌ای؟!

و زمان «نَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۲ فرا می‌رسد. چنین الحمد لله‌ای هرگز در عمر خود نگفته‌ایم و یک روز دیگر به انجام این عبادت بزرگ رستگار می‌شویم.

همه آنچه بیان شد، در این فرض بود که ما یقین به ظهور حضرت تا بیست و چهار ساعت آینده داشته باشیم؛ اما اگر این فاصله زمانی بیشتر شود، هر قدر که طولانی‌تر گردد، شور و حرارت قبلی کمتر خواهد شد و به سردی بیشتری می‌گراید.

آفات دور دانستن ظهور

مثلاً اگر به جای یک روز، مطمئن شویم که ایشان یک هفته دیگر ظهور خواهند فرمود، در این فرض تقریباً همه حالاتی که گفتیم برای

۱ - دعای ندبه (اقبال الاعمال ص ۲۹۸).

۲ - جمله‌ای از دعای ندبه.

انسان خواهد بود اما با قدری شور و حرارت کمتر. چشم به راهی ما شدت کمتری پیدا می‌کند و همین تفاوت در شدت و ضعف انتظار، منشأ تفاوت‌هایی در رفتار ما در این دو فرض خواهد شد. مثلاً اگر در آن یک روز قطعاً می‌توانستیم بگوییم که خواب به چشمان ما نخواهد آمد، در این یک هفته چنین نیست و آن دلشوره و هیجان قبلی را در این فرض جدید نداریم. یا اینکه در آن یک روز یقیناً عمر خود را صرف کارهای بیهوده و حتی تفریحی نمی‌کنیم، اما در این یک هفته شاید دقایقی یا ساعاتی را به بطالت بگذرانیم. در مجموع، آن دقت و تلاشی که در فرض اول برای استفاده بهتر و کامل‌تر از فرصت باقیمانده به خرج می‌دهیم، در فرض بعدی به آن شدت نخواهد بود.

حال اگر یک هفته به یک ماه تبدیل شود و در حقیقت، اطمینان پیدا کنیم که قبل از یک ماه دیگر حضرتش ظهور نمی‌فرمایند، در این صورت شور و اشتیاق ما در انتظار، کمتر و ضعیف‌تر می‌گردد و در نتیجه همه آنچه بیان شد، سست‌تر و کمرنگ‌تر می‌شود. در این فرض احتمال اینکه اوقات بیشتری از عمر گرانقدر خود را تلف کنیم و بیهوده فرصت را از دست بدهیم، بسیار بیشتر از فرض قبلی است. اگر در آن یک روز و یک هفته فقط در حد نیاز ضروری به امور دنیوی و مادی می‌پرداختیم، در این یک ماه آنقدر برایمان اهمیت ندارد که قدری از فرصت باقیمانده تا ظهور مولایمان را از دست بدهیم. اگر در آن یک هفته برای جبران حقوق دیگران که برگردن ما بوده، شتاب می‌کردیم، در این یک ماه خیلی عجله نمی‌کنیم و کار امروز را به فردا و پس فردا می‌اندازیم. اگر نمازها و سایر عبادت‌های ما در آن یک هفته، حال و صفای فوق‌العاده‌ای داشت، در این یک ماه به آن اندازه

حضور قلب ندارد و ...

به طور کلی هر چه فاصله خود را با ظهور بیشتر بدانیم، این آثار و نشانه‌ها به تدریج کم‌رنگ‌تر می‌شود. به همین دلیل اگر این فاصله از یک‌ماه به یک‌سال برسد، معمولاً آثار کمتری ظهور و بروز خواهد کرد. قطعاً غفلت نوع مؤمنان در این حالت بیشتر خواهد بود و چه بسا ساعت‌ها یا روزها یا حتی هفته‌ها با فراموشی یاد ایشان بر بعضی بگذرد و از همین بابت هیچگونه احساس ضرر و زیان هم نکنند. آن شور و حرارت و هیجان در فرض‌های قبلی، در این فرض، بسیار ضعیف‌تر خواهد شد و عمل به وظایف یک منتظر واقعی سست‌تر می‌گردد.

بنابراین اگر می‌خواهیم آثار و لوازم انتظار فرج را وجدان کنیم، باید خود را در آن شرایط فرضی ببینیم تا لوازمش بیشتر برای ما ملموس گردد و آثار عملی آن را در خود بیابیم. مؤثرترین عامل در ایجاد این حالت، همانا اعتقاد به این حقیقت است که امر فرج امام زمان علیه السلام در هر صبح و شام، بلکه در هر لحظه و هر ساعتی، امکان وقوع دارد و ما این مطلب را با استناد به بعضی از ادله آن، در حلقه گذشته اثبات نمودیم. هر چه ایمان شخص به آن حقیقت عمیق‌تر باشد، آثار ذکر شده به طور طبیعی ظهور و بروز بیشتری خواهد داشت. پس نتیجه عملی بحث فعلی این است که برای رسیدن به آن لوازم مطلوب، باید از طریق ایجاد علّت آن که همان اعتقاد پیش‌گفته است، سیر کنیم.

در درس‌های آینده آثار و برکات انتظار در زمان غیبت را در طی چهار مرحله توضیح خواهیم داد.

درس دوم: تقوای الهی (۱)



مرحله اول از لوازم انتظار:

زندگی با یاد امام علیه السلام و مطابق پسند ایشان

اگر یک بار دیگر فرض نزدیک بودن ظهور امام علیه السلام را در حدّیک روز برای خود تداعی کنیم، تصدیق خواهیم کرد که اولین و مؤثرترین لازمه آن، پُررنگ شدن یاد امام علیه السلام و غفلت نکردن از ایشان در همه ساعات و دقایق زندگی است. منتظر واقعی امام زمان علیه السلام نمی تواند از یاد ایشان و انتظار قدومشان غافل شود. این چیزی نیست که به صورت تصوّعی در مؤمن به وجود آید، بلکه معرفت و محبّت و انتظارش او را به طور طبیعی به این حالت می رساند. خوب است این ویژگی را از زبان یک منتظر راستین فرج - مرحوم سیّد محمد تقی موسوی اصفهانی رحمته الله - بیان کنیم:

و اما انتظار قلبی کامل، پس به این حاصل می‌شود که شخص مؤمن در هیچ حالی از حالات و هیچ وقتی از اوقات و هیچ مکانی از مکان‌ها، از یاد امامش و انتظار قدوم مبارکش خالی و فارغ نباشد، بلکه اگر در مجالس و محافل مردم هم حاضر می‌شود و با اهل عالم گفتگو می‌کند، قلبش پیش امام علیه السلام باشد و به انتظار او و خیال او و شوق وصال او باشد. مثل شخصی که اولادش منحصر باشد به یک نفر و آن یک نفر هم به جمیع کمالات آراسته باشد و وجودش انواع و اقسام فوائد و منافع از برای این شخص داشته باشد و به سفری رفته باشد و این پدر از جا و منزل او خبر نداشته باشد، تصوّر کن آیا یک ساعت از خیال او بیرون می‌رود یا آنکه از جستجوی او تغافل می‌کند؟ حاشا و کلاً! بلکه شب و روز بلکه در تمام ساعات و حالات و حرکات و سکنتات، محبوب او پیش نظر او ممثّل است چنانچه شاعر گفته:

ای غایب از دو دیده چنان در دل منی

کز لب گشودنت به من آواز می‌رسد

... و همین که انتظار قلبی به این درجه از کمال رسید، آثار ظاهریّه او هم به درجه کمال می‌رسد.^۱

زندگی با یاد امام زمان علیه السلام از جنبه تربیتی بسیار بسیار سازنده است و خیرات و برکات زیادی از این طریق به شخص منتظر می‌رسد. یاد امام علیه السلام و توجه دائمی به ایشان باعث می‌شود که انسان در همه صحنه‌های زندگی‌اش مطابق با خواست ایشان عمل کند و حرکات و سکنتاتش را با پسند ایشان تنظیم کند.

شاهد دانستن ایشان در همهٔ امور - چه کارهای پنهان و چه آشکار - سبب می‌شود تا منتظر فرج، دست از پا خطانکند و همواره مسیری را پیش‌بگیرد که به جلب رضای خاطر امامش اطمینان حاصل کند. حفظ دین برای این شخص مهم‌تر از هر مسأله دیگری است و حاضر نیست به هیچ قیمتی و برای رسیدن به هیچ لذتی از کسب خشنودی امامش صرف نظر کند. چون می‌داند که اهل تقوا محبوب مولایش هستند، در تهذیب نفس خویش از رذائل اخلاقی و مفساد روحی می‌کوشد. نمی‌تواند خود را در وضعیتی ببیند که اگر مولایش ظهور فرمود، از دیدن روی ایشان احساس شرمندگی و خجالت بکند. لذا خود را همواره به گونه‌ای می‌سازد که در اولین نگاه، لبخند خشنودی مولای را به روی خود امید داشته باشد.

اینجاست که پرداختن به تهذیب نفس و شناخت راه‌های آن برای منتظر فرج اهمیتی ویژه‌ای پیدا می‌کند. مادر این خصوص بر سه محور اساسی تربیت روحی که نقش مهمی در سازندگی انسان دارند، اشاره می‌کنیم:

۱ - رعایت تقوا و ورع

عمل به واجبات

اولین و پایه‌ای‌ترین شرط سازندگی خود، عمل به واجبات دینی و اهتمام داشتن نسبت به انجام آنهاست. مؤمن منتظر نمی‌تواند ببیند که واجبی از او فوت می‌شود و می‌داند که محبوب‌ترین کارها نزد خداوند، عمل به فرائض است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: مَا تَحَبَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِأَحَبِّ مِمَّا
افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ.^۱

خداوند تبارک و تعالی فرمود: بنده من به وسیله چیزی محبوب تر
از انجام واجبات به من اظهار دوستی نکرده است.

البته مقید شدن به انجام واجبات سختی دارد و مطابق طبع حیوانی و
راحت طلب نفس انسان نیست، ولی منتظر واقعی بر این امر صبر پیشه
می کند و خود را برخلاف امیال نفسانی به انجام آنها مقید می سازد.
امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۲

فرمودند:



اصْبِرُوا عَلَى الْفَرَائِضِ^۳
بر (انجام) واجبات صبر کنید.

اگر عمل به واجبات زحمت و سختی نداشت، تعبیر «صبر» در مورد
آن مناسب نبود. انسان باید برای درک این مقام، قدری خودش را به
زحمت بیندازد و مقید کند تا به انجام طاعات عادت کند و کم کم سختی
و تلخی ابتدائی انجام آن - که احتمالاً برای بعضی افراد وجود دارد - به
سهولت، شیرینی و لذت تبدیل شود. منتظر واقعی به درجه ای از ایمان

۱ - اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب اداء الفرائض، ح ۵.

۲ - آل عمران / ۲۰۰.

۳ - اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب اداء الفرائض، ح ۲.

می‌رسد که توفیق در عمل به واجبات بیش از هر لذت دیگری برایش شیرین است و ارتقا یافتن به رتبه متّقیان از هر چیز دیگری او را بیشتر خوشحال می‌سازد. او می‌داند که بالاترین درجه تقوا از طریق عمل به واجبات برای او حاصل می‌شود. پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

اعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ، تَكُنْ أَتَقَى النَّاسِ.^۱

به واجبات الهی عمل کن تا متّقی‌ترین مردم باشی.

همچنین بالاترین عبادت خداوند همین است که کسی واجبات را درست ادا نماید. رسول خدا ﷺ فرمودند:

اعْبُدُ النَّاسَ مِنْ أَقَامَ الْفَرَائِضَ.^۲

عابدترین مردم کسی است که واجبات را به‌پا دارد.

برترین عبادت خدا را اعمال مستحبّی ندانسته‌اند و عابدترین فرد کسی نیست که مستحبّات بیشتری انجام دهد. با این وجود ارزش انجام مستحبّات و تأثیر آن در بالا بردن مرتبه عبادت غیر قابل انکار است.

پرهیز از محرّمات

در کنار عمل به واجبات و هم‌ارز آن، پرهیز و دوری از محرّمات الهی است. منتظر امام زمان (عجله) به دنبال راهی است که او را به ایشان هر چه بیشتر نزدیک سازد تا هنگام استقبال از مولایش جزء دوستان و عزیزان ایشان قرار بگیرد. بر طبق احادیث، تقرب به امام عصر (عجله) جز از طریق تقرب به خداوند نیست و بهترین راه تقرب به پروردگار،

۱ - اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب اداء الفرائض، ح ۴.

۲ - بحارالانوار ج ۷۱ ص ۲۰۶ ح ۱۳.

حریم گرفتن نسبت به محرّمات است که از آن به «ورع» تعبیر می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمودند:

فِيْمَا نَاجَى اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهٖ مُوسَى عليه السلام: يَا مُوسَى، مَا تَقَرَّبَ اِلَى الْمُتَقَرِّبُوْنَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي.^۱

از جمله مناجات‌های خدای عزّ و جلّ با حضرت موسی علیه السلام این بود که فرمود: ای موسی، کسانی که (به من) تقرب می‌جویند، با هیچ وسیله‌ای همچون پرهیز و حریم گرفتن از محرّمات من، به من تقرب پیدا نمی‌کنند.

«ورع» کمالی است در انسان که زمینه پرهیز و حتّی فرار از گناهان را در او فراهم می‌کند، به طوری که از نزدیک شدن به آن وحشت دارد و از ترس اینکه مبدا به حرام بیفتد، به حدّ و مرز آن نزدیک هم نمی‌شود. به همین جهت در ترجمه آن، تعبیر حریم گرفتن را به کار بردیم.^۲

فروشگاه تخصصی کتب دینی

عمل بدون تقوا

اگر تقوا و ورع نباشد، هیچ امیدی به اعمال خوب آدمی نیست؛ چون همه آنها در معرض تباهی و از دست رفتن است. امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه:

«وَقَدْ مَنَّا اِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا».^۳

۱ - اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب اجتناب المحارم، ح ۳.

۲ - توضیح کامل‌تر را در بحث وَرَع می‌توانید در درس هفدهم از حلقه ششم مطالعه فرمایید.

۳ - فرقان / ۲۳.

و به سراغ اعمالی که انجام داده‌اند رفتیم پس آن را غباری
پراکنده (نابود) ساختیم.
چنین فرمودند:

أَمَّا وَاللَّهِ إِنْ كَانَتْ أَعْمَالُهُمْ أَشَدَّ بَيَاضًا مِنَ الْقَبَاطِيِّ^۱ وَلَكِنْ
كَانُوا إِذَا عَرَّضَ لَهُمُ الْحَرَامُ لَمْ يَدْعَوْهُ^۲.

بدانید قسم به خدا هر آینه اعمال آنها از پارچه‌های نازک کتانی
سفید رنگ، سفیدتر بود، اما چون در معرض کار حرام قرار
می‌گرفتند، از آن نمی‌گذشتند.

کسانی که در آیه شریفه اعمالشان «هَبَاءً مَثُورًا» شده است، به
فرموده امام صادق علیه السلام اعمالشان بسیار خوب و در مقایسه با
پارچه‌های سفیدرنگ کتانی مصری، روشن‌تر و سفیدتر بوده است.
دلیل تباه شدن آن اعمال خوب، چیزی نبوده جز اینکه ایشان تقوا
نداشتند و اگر در معرض عمل حرامی واقع می‌شدند، نمی‌توانستند از آن
بگذرند؛ آنقدر خویشان دار و خودنگهدار نبودند که بتوانند از آلوده
شدن به معصیت، خود را سالم نگه دارند.

۱ - قَبَاطِيٌّ یا قُبَاطِيٌّ جمع «قُبْطِيَّة» است و به معنای پارچه‌های کتانی نازک سفید
رنگ است که در مصر بافته می‌شود (المعجم الوسيط ص ۷۱).

۲ - اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب اجتناب المحارم، ح ۵.